

## حقیقت نور در قرآن و روایات با تأکید بر نقش امام علیه السلام در هدایت انسان

سیده زهرا علویان بربری<sup>۱</sup> / سید محمد رضوی<sup>۲</sup> / سید علی ربانی موسویان<sup>۳</sup>

**چکیده:** درک معرفت شناختی از «حقیقت نور» در آیات قرآن کریم، نقشی بنیادین در تبیین سازوکار هدایت انسان ایفا می‌کند و با تمرکز بر امام معصوم علیه السلام به عنوان مظهر کامل تجلی نور الهی، زمینه ساز تعالی معنوی می‌گردد. این پژوهش با هدف تبیین جایگاه امامت در هندسه معرفتی قرآن، تعمیق شناخت نسبت به اهل بیت علیهم السلام و صیانت از تفسیر صحیح آیات در برابر انحرافات معناشناختی، سامان یافته است. روش تحقیق، اکتشافی-تحلیلی و مبتنی بر رویکرد «تفسیر قرآن به قرآن»، بهره‌گیری از روایات معصومان D، تفاسیر معتبر روایی، منابع کتابخانه‌ای و قاعده تأویلی «جری و تطبیق» است. در این چارچوب، ۳۹ آیه حاوی واژه «نور» و مشتقات آن مورد تحلیل قرار گرفته و سه ساحت مفهومی «امامت»، «علم لدنی» و «هدایت» شناسایی شده‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که امام علیه السلام، مصداق تام آیه «فَالْتَمِسُوا نُورًا» (حدید، ۱۳) است و ایمان به «نور» به عنوان قانون الهی و مجرای هدایت ربّانی، نقش محوری در نظام هستی ایفا می‌کند. همچنین، تقابل نور و ظلمات، بیانگر آن است که فاصله‌گیری از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، سقوط در تاریکی جهل و نفاق تلقی می‌شود.

**کلید واژه:** نور. امام. هدایت. قرآن. روایات اهل بیت علیهم السلام. تأویل.

\* دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۶؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Seyed Zahra Alavian Barbari@iau.ir

۲. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده

مسئول) Seyedmohammad.razavi@iau.ir

۳. دانشیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Ali.Rabanimousaviyan@iau.ac.ir

## مقدمه

«نور» از مفاهیم بنیادین و پرتکرار در قرآن کریم و روایات شیعه است که نقشی محوری در تبیین نسبت میان خالق و مخلوق و سازوکار هدایت ایفا می‌کند، در منابع روایی، به ویژه روایت امام رضا (ع)، نور به عنوان حقیقتی الهی در وجود معصومان (ع) متجلی شده است (قمی، ۱۰۴/۲، ۱۴۰۴ق). مفسران شیعه نیز با استناد به آیاتی چون «فَالْتَمِسُوا نُورًا» (حدید، ۱۳)، «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا» (نساء، ۱۷۴) و احادیثی نظیر «خَلَقْتُكَ وَ عَلِيًّا نُورًا»، جایگاه وجودی و راهبردی امام (ع) را به مثابه نور هدایت تبیین کرده‌اند (صدوق، ۲۳۶، ۱۳۷۶ش). پژوهش حاضر با تمرکز بر پیوند معنایی و تفسیری میان مفهوم «نور» و «امام (ع)»، در صدد بازخوانی و بازسازی این ارتباط در چارچوبی نظام‌مند و کمتر کاویده شده در ادبیات تفسیری شیعه است.

«امامت» در منظومه معرفتی تشیع، صرفاً جایگاهی اجتماعی یا تاریخی نیست، بلکه مظهر تجلی نور الهی در عرصه هستی و جامعه انسانی به شمار می‌آید (کلینی، ۱۹۶/۱، ۱۴۰۵ق). قرآن کریم در تأکید بر این حقیقت می‌فرماید: «فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا» (تغابن، ۸)، که به روایت علی بن ابراهیم قمی، مراد از «نور» در این آیه امیرالمؤمنین علی (ع) است (قمی، ۳۷۱/۲، ۱۴۰۴ق). این نور الهی، که با نور ولایت تفسیر شده است، در پرتو آیه «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء، ۵۹) تجلی می‌یابد.

«علم» در نظام فکری شیعه، حقیقتی نوری و الهی است که به طور اختصاصی به امام معصوم (ع) عطا شده است. قرآن در آیه «جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ» (مائده، ۱۵) از نوری سخن می‌گوید که در روایات، بر وجود اهل بیت (ع) تطبیق شده است. امام صادق (ع) این نور را «نوری در قلب برگزیدگان» می‌داند که مایه هدایت آنان است (مجلسی، ۲۲۴/۱، ۱۴۰۳ق). همچنین امام باقر (ع)، در تفسیر آیه «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (رعد، ۴۳)، مصداق «عِلْمُ الْكِتَابِ» را امام علی (ع) معرفی کرده‌اند (کلینی، ۳۱۶/۱، ۱۴۰۵ق).

«هدایت»، در ساختار بینشی شیعه، پیوندی وجودی و معرفتی، میان «نور» و «امامت» برقرار می‌سازد. امام معصوم (ع) در این دستگاه فکری، تجلی تام نور الهی و واسطه خروج

انسان از ظلمات جهل به نور معرفت است (بقره، ۲۵۷؛ قمی، ۱۰۴/۲، ۱۴۰۴ق). آیات مرتبط با هدایت، همچون: «وَيَجْعَلُ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ» (حدید، ۲۸) و «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا» (سجده، ۲۴)، در تفاسیر روایی بر امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام تطبیق یافته‌اند (عیاشی، ۲۳۱/۲).

پرسش محوری این پژوهش، تحلیل پیوند وجودی «نور»، «امامت» و «علم امام علیه السلام» در قرآن و کلام اهل بیت علیهم السلام و تبیین نقش آن در نظام هدایت انسان است. این مطالعه با رویکرد اکتشافی - تحلیلی و با تکیه بر منابع تفسیری و روایی شیعه، به بازخوانی آیات قرآن در پرتو تفسیر اهل بیت علیهم السلام می‌پردازد و افق‌های نوینی در هندسه معرفتی هدایت در اندیشه شیعی ترسیم می‌نماید.

### پیشینه پژوهش

مفهوم «حقیقت نورانی اهل بیت علیهم السلام» از مبانی بنیادین شیعه است که با استناد به آیات و روایات، ارتباط نور و مقام اهل بیت علیهم السلام را تبیین می‌کند. این آموزه در مطالعات متعدد توسعه یافته است. از جمله:

۱. تأویل الآيات الظاهرة (سید شرف‌الدین استرآبادی، قرن ۱۰).
۲. مقاله «مفهوم واژه نور در قرآن»؛ سکینه نویدی باغی (۱۴۰۰)، به تحلیل نظام‌مند استعاره‌های مرتبط با «نور» پرداخته است.
۳. مقاله «بررسی اعجاز تشریحی قرآن در سوره نور»؛ میردریگوند (۱۴۰۰)، ابعاد بیانی، تشریحی و معرفتی سوره را بررسی کرده است.
۴. مقاله «نامساوی‌های قرآن با محوریت نور و ظلمت»؛ شیخ حسینی (۱۴۰۱)، تقابل «نور» و «ظلمت»، را با مفاهیم «حسنه» و «سیئه» متناظر دانسته است.

وجه تمایز این پژوهش: با رویکردی معناشناختی و امامت‌محور، از مطالعات صرفاً زبانی یا تفسیری رایج متمایز می‌شود. این تمایز با تمرکز مستقل بر پیوند میان نور، قرآن و روایات شیعی (با تأکید بر قاعده تأویلی جری و تطبیق) حاصل شده و خلأ پژوهشی موجود در این زمینه را به طور مؤثری پوشش می‌دهد.

## مفهوم‌شناسی واژگان

الف) نور: واژه «نور» ۳۹ بار در قرآن ذکر شده است. فراهیدی آن را به معنای «ایضا و روشنی» دانسته است (فراهیدی، ۲۵/۸، ۱۴۰۹ق)؛ قرشی آن را «روشنایی در برابر ظلمات» می‌داند (قرشی، ۱۲۶/۶، ۱۳۶۴ش).

ب) امام: ماده «ام» به معنای قصد و پیشوایی است، و واژه «امام» ۱۱۴ بار در قرآن آمده است (همایی، ۱۱۱، ۱۳۹۳). در منابع لغوی، پیشوایی که اطاعت شود (فراهیدی، ۴۲۹/۸، ۱۴۰۹ق).

ج) هدایت: از ریشه «هدی» به معنای راهنمایی و نشان دادن مسیر است و ۳۱۶ بار در قرآن ذکر شده است (همایی، ۳۰۹، ۱۳۹۳ش). راغب، هدایت را «راهنمایی همراه با لطف» تعریف کرده است (راغب، ۵۱۶، ۱۳۸۷ش). و در منابع لغوی، هدایت در تقابل با «اضلال» است (ابن منظور، ۳۹۰/۱۱، ۱۴۱۴ق). در تفاسیر شیعی، «هدایت به امر»، امری ملکوتی و تصرفی باطنی در نفوس است (طباطبایی، ۴۲۸/۱۴، ۱۳۷۴ش).

د) تأویل: تأویل از ریشه «أول» به معنای بازگشت و رجوع است (ابن منظور، ۱۲۴/۱، ۱۴۱۴ق). به فرموده امام باقر (ع): «ظَهْرُهُ تَنْزِيلُهُ وَ بَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ» (بحرانی، ۴۶/۱، ۱۴۱۵ق).

یکی از روش‌های ارتباط با قرآن در معارف اهل بیت (ع)، استنطاق یا «به نطق آوردن قرآن» است. امام علی (ع) می‌فرماید: «ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ...»؛ قرآن را به نطق آورید؛ که خود با شما سخن نمی‌گوید؛ من از جانب آن سخن می‌گویم (کلینی، ۶۰/۱، ۱۴۰۵ق). برخی محققان، استنطاق را معادل تأویل قرآن دانسته‌اند (بحرانی، ۳۷۸، ۱۹۹۹ق). این رویکرد، بر نقش محوری اهل بیت (ع) به عنوان مفسران حقیقی و «ناطقان» قرآن تأکید دارد.

## تبیین حقیقت نوری امام علی (ع)

«نور» در قرآن جایگاهی راهبردی دارد. از آن جا که قرآن واجد حیات معنوی و اثرگذاری مستمر است، آیات آن فراتر از زمان نزول، در بسترهای تاریخی و اجتماعی متنوع نیز قابل تطبیق‌اند (عیاشی، ۸۵/۱).

نخستین مواجهه انسان با نور، تجربه‌ای حسی و مادی از پدیده‌هایی چون خورشید

و ماه است: «وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا» (نوح، ۱۶؛ فرقان، ۶۱؛ یونس، ۵). با این حال؛ قرآن در آیاتی مانند «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» (نور، ۳۵)، مفهوم نور را به سطحی متعالی و معنوی ارتقا می‌دهد؛ نوری که مظهر هدایت الهی و تجلی خداوند در دل مؤمنان است: «نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ» (طباطبایی، ۱۳۲/۱۵، ۱۳۷۴ ش).

قرآن تأکید دارد که ذات الهی فراتر از ادراک حسی و تمثیل‌پذیری است: «لَا تَضُرُّوهُ بِاللَّهُ الْأَمْثَالُ» (نحل، ۷۴): «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ...» (انعام، ۱۰۳). اندیشه‌های ژرف به کنه ذات او راه نمی‌یابند (نهج‌البلاغه، ۳۳، ۱۳۷۹). از این رو، مفهوم «نور» در قرآن، در افق تأویل و در نسبت با مظاهر الهی، به ویژه امامان معصوم علیهم‌السلام، معنا و جایگاه خود را در نظام هدایت می‌یابد.

گرچه قرآن نام امامان معصوم علیهم‌السلام را صریحاً ذکر نکرده<sup>۲</sup>، اما اوصاف نور در برخی آیات، بر اهل بیت علیهم‌السلام قابل تأویل است. در این راستا، امام رضا علیه‌السلام آیه نور را به اهل بیت علیهم‌السلام تطبیق داده و آنان را مظهر هدایت الهی دانسته‌اند (قمی، ۱۰۲/۲، ۱۴۰۴ ق؛ کوفی، ۲۸۱، ۱۴۱۰ ق؛ عروسی حویزی، ۶۰۲/۳، ۱۴۱۵ ق).

مفهوم «نور» در نظام معرفت‌شناختی قرآن، سه ساحت اصلی را در بر می‌گیرد: «امام علیه‌السلام»، «علم لدنی» و «هدایت».

## ۱. جایگاه انوار امام علیه‌السلام / گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بر اساس روایات، نخستین آفریدگان الهی، انوار مقدس اهل بیت علیهم‌السلام بوده‌اند که از نور الهی آفریده شده و در عرش به تسبیح پرداخته‌اند. بر پایه روایت امام باقر علیه‌السلام، خداوند در عالم ذر، از شیعیان بر ولایت اهل بیت علیهم‌السلام پیمان گرفت و ارواح آنان را بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علی علیه‌السلام عرضه داشت، و ایشان این ارواح را بازشناختند (کلینی، ۴۳۷/۱، ۱۴۰۷ ق). امام علی علیه‌السلام نیز همراهی خود با انبیاء الهی را چنین بیان کرده‌اند: «كُنْتُ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ سِرًّا وَ

۱. چشمها او را در نمی‌یابند و اوست که دیدگان را درمی‌آید.

۲. البته بنابر روایات نام امیرمؤمنان علیه‌السلام در آیه (زخرف، ۴) ذکر شده است: «وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ». (نجفی حسینی، ۱۳۹۳، ۶۶۶).

مَعَ رَسُولِ اللَّهِ جَهْرًا» (کاشانی، ۲۶۹/۷، ۱۴۲۳ق). در زیارت حضرت زهرا نیز اشاره شده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُتَّحِنَةً، قَدْ اِمْتَحَنَكَ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ؛ یعنی خداوند تو را پیش از آفرینش دنیوی ات آزمود». به نقل از شیخ کلینی، هیچ پیامبری مبعوث نشد مگر آنکه به نبوت محمد و ولایت علی (ع) اقرار و ایمان داشت (کلینی، ۲۴۱/۳، ۱۴۰۵ق).

پیامبر اکرم (ص) حقیقت نوری خود و علی (ع) را نور واحدی دانسته و فرموده‌اند: «إِنِّي خَلَقْتُكَ وَعَلِيًّا نُورًا» (کلینی، ۴۴۰/۱، ۱۴۰۵ق). همچنین در آیه «فِي يُبُوتِ أذنَ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ...» (نور، ۳۶)، از خانه‌هایی سخن گفته شده که ساکنانشان همواره به یاد خدا هستند (نور، ۳۷). طبق روایات، این آیات بر اهل بیت علی (ع) تطبیق یافته‌اند (سیوطی، ۲۰۳/۶، ۱۴۱۴ق؛ ابن مردویه، ۹۸، ۱۴۲۲ق).

در متون روایی، اهل بیت؟ عهم؟ به عنوان «انوار هدایت» و «مدبران نظام هستی» معرفی شده‌اند. قرآن نیز در آیاتی چون «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا» (نساء، ۱۷۴)؛ و «فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا» (تغابن، ۸)، «بر ایمان به خدا، رسول او و «نور» تأکید دارد؛ تعبیری که نه صرفاً گزارشی خبری، بلکه نوعی شهادت الهی و تأکید مؤکد است» (طباطبایی، ۵۰۳/۲۸، ۱۳۷۴ش) این معنا با آیه «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء، ۵۹) انطباق کامل بر ولایت اهل بیت علی (ع) دارد (کلینی، ۴۳۱/۱، ۱۴۰۷ق؛ نجفی حسینی، ۸۴۹، ۱۳۹۳ش).

در حقیقت، آیات یاد شده در باب «نور»، قانون الهی، و دستورالعملی ربانی است که باید به عنوان قاعده‌ای بنیادین در حیات مؤمنان تحقق یابد. بدین سان، ایمان به «نور» و اطاعت از آن، قانون الهی و ازلی است که در سرشت انسان و در عالم ذر، تثبیت شده است.

همچنین در تفسیر آیاتی مانند «سِرَاجًا مُنِيرًا» (احزاب، ۴۶) و «وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (فرقان، ۷۴)، امامان علی (ع) به عنوان استمرار نور نبوی و الگوی هدایت متقین معرفی شده‌اند (قمی، ۱۱۷/۲، ۱۴۰۴ق).

### تجلی نور امامت

در آموزه‌های توحیدی و روایی، نخستین تجلی الهی، نوری واحد و جامع است که

مظهر انسان کامل و آئینه تمام‌نمای اسماء و صفات الهی به شمار می‌آید. قرآن از کمال این نور با تعبیر «وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ» (صف، ۸؛ توبه، ۳۲؛ تحریم، ۸) یاد می‌کند و روایات، اتمام نور آن را در امامت و ظهور منجی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحِمَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ دانسته‌اند (نجفی حسینی، ۸۳۵، ۱۳۹۳) چنان‌که آمده است: «وَأَتَتْجَبِكُمْ لِنُورِهِ» (صدوق، ۶۱۳/۲، ۱۴۱۳ق). این نور سرچشمه هدایت، علم و رحمت است و امامان معصوم؟ عه‌م؟ تجلیات تام آن به شمار می‌روند.

قرآن در آیه «فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ» (زمر، ۲۲)، این نور را به مؤمنان و خردمندان، یعنی «أُولِي الْأَلْبَابِ» نسبت می‌دهد (زمر، ۲۱)؛ کسانی که دارای دل‌هایی خاشع<sup>۱</sup> و آگاه‌اند (زمر، ۲۳) و محل تجلی نور الهی محسوب می‌شوند.

در نگرش قرآنی و روایی، خلقت جهان، بعثت پیامبران و نزول کتاب، تجلیاتی از نور پروردگار در زمین‌اند: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» (زمر، ۶۹). در زیارت جامعه کبیره آمده است: «زمین به نور شما روشن شد». در روایات، امام عَلَيْهِ السَّلَامُ به عنوان منبع نور و حجت خدا در زمین معرفی شده است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده‌اند: «امام، رب زمین است» (حویزی، ۵۰۳/۴، ۱۴۱۵ق). واژه «رب» در قرآن، معانی متعددی چون مالک، مربی، سید و مدبّر دارد (راغب، ۴۷۵ و ۱۹۰ و ۲۵۴، ۱۳۸۷ش) که همگی با مقام امامت سازگارند.

بر اساس منابع حدیثی، امامان؟ عه‌م؟ ارکان دین، نور الهی (کلینی، ۱۹۶ و ۱۹۴، ۱۴۰۷ق)، وارثان علم انبیا، حاملان اسم اعظم و واسطه‌های فیض در نظام تکوین و تشریح‌اند (مجلسی، ۵۶۱/۱، ۱۴۰۳ق). مفاهیمی چون هدایت (مأثده، ۱۶)، صراط مستقیم (شوری، ۵۲)، رحمت (هود، ۱۷)، ایمان (حدید، ۱۲)، بصیرت (بقره، ۱۷)، کتاب و برهان، در پرتو امامت معنا می‌یابند.

از منظر شیعی، آیه «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا...» (بقره، ۱۲۴) بر مقامی فراتر از نبوت دلالت دارد (طبرسی، ۳۷۷/۱، ۱۳۶۳ش). و تعبیر «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» ضرورت عصمت امام عَلَيْهِ السَّلَامُ حتی پیش از آغاز امامت را بیان می‌کند (طوسی، ۴۴۸/۱، ۱۴۰۲ق؛ طبرسی، ۳۷۷/۱، ۱۳۶۳ش).

۱. «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (بقره، ۴۵). ضمیر در «إِنَّهَا» به «الصَّلَاةِ» برمی‌گردد (طوسی، ۲۰۳/۱، ۱۴۰۲ق) و «الصَّلَاةِ» اقامه ولایت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و خاشعان، شیعیان با بصیراند (مجلسی، ۲/۲۶، ۱۴۰۳ق). خاشع را به رسول خدا و حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ معنا کرده‌اند (کوفی، ۵۹، ۱۴۱۰ق).

شیعه، شماری از آیات قرآن را ناظر به اصل امامت و ولایت می‌داند؛ از جمله: خلافت الهی (بقره، ۳۰)، گواهی امام (هود، ۱۷)، مباحله (آل عمران، ۶۱)، آیه تطهیر (احزاب، ۳۳)، مودت ذوی القربی (شوری، ۲۳)، اجتناب و هدایت الهی (حج، ۷۷-۷۸)، و رؤیت اعمال (توبه، ۱۰۵)، آیات «ایتاء» (نساء، ۵۴) و «اصطفاء» (آل عمران، ۳۳-۳۴).

در الهیات امامیه، امامت منصبی الهی که به تدبیر امور دینی و دنیوی جامعه می‌پردازد. ابن میثم بحرانی این منصب را به عنوان خلافت مستقیم الهی پس از پیامبر ﷺ تعریف می‌کند (بحرانی، ۱۷۴، ۱۳۷۵ ش). امام صادق (ع)، امامت را جایگاه طهارت و علم نورانی، و امام رضا (ع) آن را بزرگ‌ترین نعمت الهی توصیف کرده‌اند (عیاشی، ۱/۳۲۲). در روایات، امام (ع) واسطه فیض الهی دانسته شده و در حدیث «معرفت به نورانیت»، شناخت امام (ع) معادل شناخت خداوند شمرده شده است.

شناخت ولایت امام علی (ع) به عنوان مظهر تجلی نور الهی، که سیر آن با انبیاء آغاز شده، ارتباطی اساسی با هدایت علمی دارد. بنابراین، بررسی شخصیت، گفتار و رفتار ایشان نیازمند یک پژوهش مستقل و نظام‌مند است.

## ۲. علم نورانی امام علی (ع)

در آموزه‌های امامیه، «علم نورانی» موهبت الهی ویژه اولیای معصوم است که ارتباطی معرفتی میان «نور» و «امامت» برقرار می‌سازد امام صادق (ع) در حدیث «عنوان بصری»<sup>۱</sup>، علم را نوری الهی معرفی می‌کنند که خداوند در قلب هر که بخواهد می‌افکند: «الْعِلْمُ نُورٌ يُقَدِّفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ» (مجلسی، ۱/۲۲۴، ۱۴۱۳ ق).

در قرآن، میان «نور» و «کتاب مبین» پیوند معرفتی برقرار شده است (نحل، ۸۹؛ آل عمران، ۱۸۴). آیه «جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ» (مائده، ۱۵)، به نزول هم‌زمان نور الهی و کتاب مبین اشاره دارد. همچنین، آیاتی چون «وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (رعد، ۳۹) و «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (رعد، ۴۳) به جایگاه علمی خاص اولیای الهی دلالت دارند.

۱. او که سال‌ها در محافل حدیثی مالک بن انس از فقیهان اهل سنت حضور داشت، در نودسالگی می‌خواست به یادگیری از امام صادق (ع) روی آورد. (مجلسی، ۱/۲۲۴، ۱۴۱۳ ق)

برپایه روایات، «عِلْمُ الْكِتَابِ» جامع معارف مکنون الهی است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «به خدا قسم، علم تمام کتاب نزد ماست» (کلینی، ۳۱۶/۱، ۱۴۰۵ق). ایشان، علم را دوگونه می‌دانند: یکی علم مخزون در نزد خدا، و دیگری علمی که به پیامبران، فرشتگان و امامان علیهم السلام تعلیم داده شده است؛ دانشی که توان داوری، آگاهی از آینده (منایا و بلایا)، و هدایت امت را برای امامان علیهم السلام فراهم می‌سازد (کلینی، ۱۴۷/۱، ۱۴۰۷ق).

در قرآن، آصف بن برخیا با بخشی از «علم کتاب»، تحت بلقیس را در لحظه‌ای نزد سلیمان علیه السلام حاضر می‌سازد (نمل، ۴۰). به تفسیر امام باقر علیه السلام، آیه «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (رعد، ۴۳) به امام علی علیه السلام اشاره دارد که دارای علم کامل کتاب است (عیاشی، ۲۲۱/۲). از آن جا که پیامبر صلی الله علیه و آله خاتم النبیین است و علی علیه السلام وصی او، تمامی کمالات، علوم و معجزات به ایشان منتقل شده است. در همین راستا، آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا» (فاطر، ۳۲) بنابر روایت امام باقر علیه السلام، این آیه مخصوص اهل بیت علیهم السلام است (نجفی حسینی، ۵۷۹، ۱۳۹۳ش).

علامه طباطبایی نیز با استناد به سیاق آیات و روایات، «الْكِتَابِ» را بر امام علی علیه السلام تطبیق می‌دهد (طباطبایی، ۵۳۰/۱۱، ۱۳۷۴ش). همین برداشت را مفسرانی چون (ثعلبی، ۳۰۳/۵، ۱۴۲۲ق؛ ابن مردویه، ۲۶۸، ۱۴۲۲ق؛ ابن مغزلی، ۳۱۳، ۱۴۰۳ق) نیز نقل کرده‌اند. امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، دست‌یافتن به فصل الخطاب، بصیرت در معارف قرآن و آگاهی از منایا، بلایا، انساب و قضایا را جلوه‌هایی علم الهی خود معرفی می‌کنند (کوفی، ۳۰۹، ۱۴۱۰ق).

در قرآن، امامان معصوم علیهم السلام به عنوان حاملان علم الهی معرفی شده‌اند. آیاتی نظیر «جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ... وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ» (فاطر، ۲۵)، «وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» (یس، ۱۲) و «لَا رُظْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (انعام، ۵۹)، و نیز آیات سوره‌های (نبا، ۲۹)، (نحل، ۸۹)، (حدید، ۲۲) و (بقره، ۱۰۱)، بر پیوند میان امام علیه السلام، قرآن و علم الهی دلالت دارند. امام صادق علیه السلام در روایتی، اهل بیت علیهم السلام را قطب قرآن و محور تأویل آن معرفی کرده و می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ وَلَايَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ قُطْبَ الْقُرْآنِ...» (عیاشی، ۵/۱؛ فیض کاشانی، ۲۱/۱، ۱۴۱۵ق). رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در حدیث ثقلین، قرآن و عترت را دو مرجع هدایت معرفی کرده‌اند: «شمارا

به کتاب خدا و عترتم سفارش می‌کنم» (عیاشی، ۲۵۰/۱). در اندیشه امامیه، امام معصوم (ع) پیوندگاه قرآن و عترت و مجرای تفسیر و فیض الهی است.

### علم، پرتویی از نور

در قرآن و روایات، علم معیار هدایت و نشانه برتری بصیرت بر جهل است، از جمله: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ» (رعد، ۱۶؛ فاطر، ۲۰). قرآن، نابینایی حقیقی را نابینایی دل معرفی می‌کند: «صُمُّ بَكْمٌ عُمِّي فَهَمْ لَا يَرْجِعُونَ» (بقره، ۱۸؛ راغب، ۵۸۸، ۱۳۸۷ش)

امیرالمؤمنین (ع) دستیابی به معارف اصیل را ویژه اهل بیت (ع) دانسته‌اند و می‌فرمایند: «جز از ما نگیر، تا از ما باشی»<sup>۱</sup> (حرعاملی، ۹۵/۱۸، ۱۴۱۲ق). همچنین، پیامبر (ص) را «شهر علم» و خود را «دروازه آن» معرفی کرده‌اند (حاکم نیشابوری، ۱۲۶/۳، ۱۴۱۱ق).

از منظر شیعه، علم نبوی در شب قدر نازل شده و در وجود امام علی (ع) به کمال رسید؛ دانشی فراگیر که شامل گذشته، آینده و اسرار الهی است (کلینی، ۲۴۵/۱، ۱۴۰۵ق). بر اساس تفسیر امام صادق (ع)، مقصود از «اهل ذکر» در آیه «فَأَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» (نحل، ۴۳؛ انبیاء، ۷) امامان معصوم‌اند که مرجعیت علمی و دینی پس از پیامبر (ص) به آنان واگذار شده است (حرعاملی، ۶۴/۲۷، ۱۴۱۲ق). این ولایت علمی و نورانی، تجلی رحمت الهی و راه رهایی بشر از ظلمات جهل و نفاق به شمار می‌رود.

### ظلمات

علم امام (ع) تجلی نور الهی است و قرآن، «ظلمات» را نماد نافرمانی از قانون الهی در نظام‌های جاهلی چون بنی‌امیه و بنی‌عباس معرفی می‌کند: «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا»<sup>۲</sup> (نساء، ۱۴). به تصریح قرآن و روایات، منکران «نور» - قانون الهی - کسانی‌اند که بدون علم، هدایت و کتابی روشن با حقیقت به ستیز برخاستند و به نعمت

۱. يَا كَمِيلُ! لَا تَأْخُذْ إِلَّا عَنَّا تَكُنْ مِنَّا.

۲. و هر کس از خدا و پیامبر او نافرمانی کند و از حدود مقرر او تجاوز نماید وی را در آتشی درآورد.

باطنی، یعنی ولایت امام علیه السلام ایمان نیاوردند: «...بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ» (لقمان، ۲۰؛ حج ۸-۹؛ قمی، ۱۶۶/۲، ۱۴۰۴ق).

بر اساس روایتی نبوی، میزان قرب انسان به خداوند با مرتبه عقل او سنجیده می‌شود (کلینی، ۲۱۰/۱، ۱۴۰۵ق). از همین منظر، قرآن در سوره حجرات (آیه، ۲) مؤمنان را از تقدم گفتاری بر پیامبر صلی الله علیه و آله نهی می‌کند؛ با این حال، این فرمان در ماجرای «قلم و قرطاس»، با نادیده گرفتن اراده پیامبر صلی الله علیه و آله و انحراف مسیر خلافت، نقض گردید (مفید، ۱۸۴/۱، ۱۴۱۱ق). آیه «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ... لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ...» (بقره، ۱۴۶) اشاره دارد که آنان حقیقت «الْكِتَابِ» - که امام علیه السلام تأویل شده - را مانند شناخت فرزندان خود به روشنی می‌شناسند، اما آگاهانه آن حقیقت را کتمان می‌کنند.

این رویکرد، تلاشی زبانی برای خاموش کردن نور الهی است: «يُرِيدُونَ لِيُظْفَرُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ...» (صف، ۸؛ توبه، ۳۲). اما قرآن تأکید می‌کند که خداوند، نور آنان را می‌گیرد و ایشان را در تاریکی رها می‌سازد: «ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ» (بقره، ۱۷)؛ تا جایی که کر، گنگ و کور می‌شوند و راه بازگشت نمی‌یابند (قمی، ۳۰۱/۲، ۱۴۰۴ق).

از منظر امام صادق علیه السلام، عقل ابزار بندگی خدا و راه ورود به بهشت است، و عقل حقیقی با نیرنگ ناسازگار است (تمیمی آمدی، ۱۲۴، ۱۴۱۰ق). آن حضرت در تفسیر آیه «...وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ...» (بقره، ۲۵۷)، پیروی از امامان جور را سبب خروج انسان از نور ایمان به ظلمات کفر می‌داند (قمی، ۸۴/۱، ۱۳۶۳؛ عیاشی، ۱۳۸/۱). به تعبیر امام علیه السلام، برخی با آن که بر نور اسلام بودند؛ در اثر پذیرش ولایت طاغوت، به ظلمات کفر فروغلتیدند (نجفی حسینی، ۱۱۶، ۱۳۹۳ش). در همین راستا، تفسیر قمی تعبیر «أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ» را به پیروان غاصبان حق اهل بیت علیهم السلام نسبت می‌دهد (قمی، ۸۴/۱، ۱۴۰۴ق).

بر پایه روایات، بی‌بهرگی ایمان و نپذیرفتن قانون «نور» - ولایت امام معصوم علیه السلام - در دنیا، موجب محرومیت از نور هدایت در آخرت می‌شود. امام حسین علیه السلام با استناد به آیه: «فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ» (نور، ۴۰) بر این معنا تأکید دارند (نور، ۴۰؛ قمی، ۱۰۶/۲، ۱۳۶۳ش؛ قمی مشهدی، ۳۲۱/۹، ۱۳۶۸ش).

در تفاسیر شیعه، ایمان حقیقی در پرتو ولایت اهل بیت (ع) معنا می‌یابد (قمی، ۱۴۲۲/۲، ۱۳۶۳ ش). امیرالمؤمنین علی (ع) در خطبه ۱۵۲ نهج البلاغه، امامان را «ولّی امر الهی» و شرط ورود به بهشت دانسته و انکار آنان را موجب ورود به دوزخ می‌شمارند: «إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَ أَنْكَرُوهُ» (بحرانی، ۴۲۹/۳، ۱۳۷۵ ش).

### ۳. هدایت پرتویی از نور

قرآن، هدایت الهی را نوری معرفی می‌کند که انسان را از تاریکی جهل به روشنایی معرفت رهنمون می‌سازد: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (ابراهیم، ۵۱؛ مائده، ۱۶). در تفاسیر شیعه، امام علی (ع) مصداق «عِلْمُ الْكِتَابِ» (رعد، ۴۳)، معرفی شده است؛ از این رو، مفاهیم «کتاب» و «نور» در قرآن با ولایت و هدایت امام علی (ع) پیوند می‌یابند. همچنین آیه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (رعد، ۷) بر ضرورت وجود «هادی» در کنار پیامبر (ص) تأکید دارد که بنابر روایات تفسیری، پس از پیامبر (ص)، بر امام علی (ع) تطبیق شده است (حویزی، ۴۸۲/۲، ۱۴۱۵ ق).

در آیه «...جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (شوری، ۵۲)، «نور» به عنوان وسیله هدایت الهی و راهی به سوی «صراط مستقیم» معرفی شده است. براساس تفسیر امام باقر (ع)، این «نور» بر امیرالمؤمنین علی (ع) تطبیق دارد (قمی، ۲۸/۱، ۱۴۰۴ ق) و هدایت به صراط مستقیم جز از طریق ولایت او محقق نمی‌شود (کوفی، ۴۰۰، ۱۴۱۰ ق؛ قمی، ۲۷۹/۲، ۱۴۰۴ ق). امام علی (ع) وارث پیامبران و هادی خلق برای نجات از جهالت و گمراهی است (طوسی، ۱۱۳/۶، ۱۴۰۷ ق).

قرآن، ظلمت‌های غفلت بشری را در تقابل با نور هدایت الهی قرار می‌دهد «وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ». (انعام، ۱). پیامبر (ص) به عنوان تجلی این نور، «سِرَاجًا مُنِيرًا» در تاریکی‌های جهل می‌درخشد (فرقان، ۶۱)، و استمرار این نور در قالب امامت تداوم می‌یابد (نوح، ۱۶؛ طباطبایی، ۳۲۶/۱۵، ۱۳۷۴). انتخاب پیامبران و اولیای الهی نیز انتخابی ربّانی و مبتنی بر علم، عصمت و شایستگی معنوی ایشان است: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ» (انعام، ۱۲۴). (فیض کاشانی، ۵۵/۱؛ ۱۴۱۵ ق؛ حرعاملی، ۳۳/۲۷، ۱۴۱۲ ق).

نص، به عنوان معیار شناسایی امام علیه السلام، استمرار هدایت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و تداوم نظام تشریح الهی را تضمین می‌کند.

### واسطه هدایت

در قرآن، هدایت با نوری همراه است که از سوی خداوند عزیز و حکیم نازل می‌شود: «و برای شما نوری قرار دهد که به [برکت] آن راه سپرید» (حدید، ۲۸؛ انعام، ۱۲۲). در آموزه‌های شیعه، «نور» هدایت الهی در وجود امام معصوم علیه السلام تجلی یافته و مصداق «نُورًا وَهَدًى لِلنَّاسِ» (انعام، ۹۱؛ مائده، ۴۶، مائده، ۴۴) دانسته شده است. امام علیه السلام، مؤمنان را از تاریکی جهل به نور معرفت رهنمون می‌سازد: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره، ۲۵۷؛ احزاب، ۴۳؛ حدید، ۹؛ طلاق، ۱۱). به تصریح قرآن، مؤمن از نوری بهره‌مند است که به وسیله آن در مسیر زندگی گام برمی‌دارد (حدید، ۱۲). این «نور»، به تعبیر مفسران شیعه، «نور ولایت» است (نجفی حسینی، ۲۰۸، ۱۴۰۹ق) که امکان درک و اراده فراتر از دیگران را فراهم می‌آورد (طباطبایی، ۴۶۵/۷، ۱۳۷۴ش).

در کلام حدیثی شیعه، شناخت امام علیه السلام و پذیرش ولایت او شرط بنیادین هدایت شمرده شده است. چنان‌که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةٍ» (حویزی، ۲۸۲/۲، ۱۴۱۵).

قرآن، اولیای الهی را برخوردار از نور الهی و واسطه رستگاری می‌داند: «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَادَةُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ» (حدید، ۱۹). پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام را برترین صدیق معرفی کرده‌اند (سیوطی، ۷۹۸۸/۱، ۱۴۱۴ق) و امام علی علیه السلام تصریح کرده است: من بنده خدا، برادر رسول خدا و صدیق اکبر هستم (حاکم نیشابوری، ۱۲۰/۳، ۱۴۱۱ق؛ ابن‌مردویه، ۳۳۱، ۴۲۲ق).

در قرآن، امامت مقامی الهی است و مبتنی بر «هدایت به امر» است؛ نوعی پیشوایی، که بر امر خدا تحقق می‌یابد و تخلف ناپذیر است: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا» (سجده، ۲۴؛ انبیاء، ۷۳) و «مقصود از امر» در این آیات، همان اراده الهی است که در آیات دیگر با تعابیری چون «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس، ۸۲) و «وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلِمِحٍ

بِالْبَصْرِ» (قمر، ۵۰) تبیین شده است. به تعبیر برخی مفسران، «این امر» فراتر از زمان و مکان، و مصون از تغییر و دگرگونی است؛ و حقیقت آن، تجلی عینی اراده الهی در قالب «کُن» است» (کلانتری، ۱۵۶، ۱۳۹۲ ش).

نتیجه این‌که هدایت، فراتر از هدایت تشریحی است و به منزله تصرف تکوینی در نفوس برای سوق دادن انسان به کمال عمل می‌کند (طباطبایی، ۴۲۸/۱۴، ۱۳۷۴ ش). امام علی (ع) به عنوان واسطه فیض الهی، با خزائن غیبی مرتبط است (حجر، ۲۱؛ کلینی، ۱۹۲/۱، ۱۴۰۷ ق). همچنین هدایت حقیقی در گرو تبعیت از پیامبر ﷺ و نور (امام علی (ع)) است که با او نازل شده است: «...وَاتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ...» (اعراف، ۱۵۷؛ مجلسی، ۴۰۴/۳۵، ۱۴۰۳ ق). چون به برکت ولایت و علوم آن ذوات مقدّسه، عالم و قلوب همه مؤمنان روشن می‌شود.

### نتیجه

دقت در مفاد آیات و روایات یاد شده، حقایق ارزنده‌ای را آشکار می‌سازد که در شناخت صحیح از حقیقت نوری امام علی (ع)، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند:

نخست؛ تحلیل آیات قرآن و روایات شیعه نشان می‌دهد که «نور» در نظام معرفتی قرآن، مفهومی وجودی است که با سه ساحت اصلی ارتباط دارد: «امامت، علم لدنی و هدایت». بررسی ۳۹ آیه حاوی واژه «نور» و مشتقات آن، بیانگر تجلی نور الهی در وجود امامان معصوم علی (ع) است. در روایات تفسیری نیز، از جمله تأویل امام رضا علی (ع) بر آیات نور، به اهل بیت علی (ع) نسبت داده شده است. بدین ترتیب، نور قرآنی با حقیقت امامت هم‌معنا تلقی شده و آیات و روایات مرتبط، نمایانگر قانونی الهی هستند که ایمان و اطاعت از امام علی (ع)، اصلی ازلی در سرشت انسان و تثبیت شده در عالم «ذر» محسوب می‌شود.

دوم؛ یکی از مباحث کلیدی، در پیوند میان نور و امامت، مفهوم «علم نورانی» است؛ علمی الهی و غیر اکتسابی که به تصریح امام صادق علی (ع) نورالهی در دل اولیای برگزیده افکنده می‌شود. تحلیل آیات قرآن در کنار روایاتی چون «صاحب علم الکتاب»، بیانگر جایگاه علمی منحصر به فرد امیرالمؤمنین علی (ع) است. این علم نورانی، اساس مقام امامت در تفسیر وحی، آگاهی از غیب، و هدایت امت است و در نظام معرفتی قرآن، با حقیقت نور پیوندی ذاتی دارد.

جدول ۱-۱- فهرست نشانی آیات نور با مشتقات در قرآن کریم					
ردیف	امامت	ردیف	علم لدنی	ردیف	هدایت
۱	نوح، ۱۶	۱۳	فاطر، ۲۵	۲۳	طلاق، ۱۱
۲	تحریم، ۸	۱۴	فاطر، ۲۰	۲۴	حدید، ۲۸
۳	تغابن، ۸	۱۵	لقمان، ۲۰	۲۵	حدید، ۱۹
۴	صف، ۸	۱۶	نور، ۴۰	۲۶	حدید، ۱۳
۵	زمر، ۶۹	۱۷	حج، ۸	۲۷	حدید، ۱۲
۶	زمر، ۲۲	۱۸	رعد، ۱۶	۲۸	حدید، ۹
۷	احزاب، ۴۶	۱۹	مائده، ۱۵	۲۹	شوری، ۵۲
۸	فرقان، ۶۱	۲۰	آل عمران، ۱۸۴	۳۰	احزاب، ۴۳
۹	نور، ۳۵	۲۱	بقره، ۲۵۷	۳۱	ابراهیم، ۵
۱۰	یونس، ۵	۲۲	بقره، ۱۷	۳۲	ابراهیم، ۱
۱۱	توبه، ۳۲			۳۳	اعراف، ۱۵۷
۱۲	نساء، ۱۷۴			۳۴	انعام، ۱۲۲
				۳۵	انعام، ۹۱
				۳۶	انعام، ۱
				۳۷	ماده، ۴۶
				۳۸	مائده، ۴۴
				۳۹	مائده، ۱۶

سوم، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در قرآن، هدایت الهی پیوندی بنیادین با مفهوم «نور» دارد. آیات و روایات مرتبط، دلالت بر ارتباط مفهومی میان نور، ولایت و هدایت دارند؛ مفهومی که در روایات شیعه، بر امام معصوم علیه السلام تطبیق یافته است. هدایت در قرآن، فرآیندی ربانی است که بر علم، عصمت و شایستگی معنوی استوار است. در این نظام معرفتی، امام معصوم علیه السلام به عنوان واسطه‌ای الهی، انسان را از ظلمات جهل رها کرده و به نور معرفت می‌رساند. ویژگی محوری امام علیه السلام، «هدایت به امر» است؛ هدایتی که

ناشی از اراده الهی است و هم‌راستا با هدایت تکوینی و ملکوتی عمل می‌کند. با این حال، تحقق نهایی این هدایت ربّانی، منوط به اختیار و پذیرش آگاهانه انسان است.

## منابع

\* قرآن کریم. ترجمه فولادوند.

\* سیدرضی، (۱۳۷۹ش)، نهج البلاغه، ترجمه محمددشتی. قم، نشر الهادی.

۱. ابن مردویه، احمد، (۱۴۲۲ق)، مناقب علی بن ابی طالب، جمع و ترتیب محمد حسین حرزالدین، قم، دارالحدیث.  
۲. ابن مغزالی، علی، (۱۴۰۳ق)، مناقب الامام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر المحمودی، بیروت، دارالاضواء.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم بیروت، دار صادر.

۴. بحرانی، ابن میثم، (۱۳۷۵ش)، شرح نهج البلاغه، مترجم، محمد صادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۵. بحرانی، احمد بن عیسی، (۱۹۹۹م)، التأویل منهج الإستنباط فی الإسلام، چاپ دوم، بی‌جا، دارالتأویل للطباعة والنشر.

۶. بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۵ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه البعثت.

۷. تمیمی آمدی، عبدالوحدین محمد، (۱۴۱۰ق)، غررالحکم و درر الکلم، چاپ دوم، قم، دارالکتاب الاسلامی.

۸. ثعلبی، احمد، (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان، تحقیق ابی محمد بن عاشور، بیروت، [بی‌نا].

۹. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، (۱۴۱۱ق)، المستدرک علی الصحیحین. بیروت، دارالمعرفه.

۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۲ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل‌البتی (ع).  
۱۱. راغب اصفهانی، حسین، (۱۳۸۷ش)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق محمد خلیل عیتانی، تهران، چاپ آرایه.

۱۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۱۴ق)، الدرر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دارالفکر.

۱۳. سیوطی، جلال‌الدین، (بی‌تا)، جامع‌الصغیر، بیروت، دارالفکر للطباعة.

۱۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری. قم، مؤسسه نشر اسلامی.

۱۵. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴ش)، تفسیر المیزان، ترجمه محمد موسوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۳ش)، مجمع‌البیان، ترجمه بیستونی، تهران، فراهانی.

۱۷. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۲ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث.

۱۸. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، تحقیق خراسان. تهران، دارالکتب الإسلامیه.

۱۹. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان.

۲۰. عیاشی، محمد، (بی‌تا)، تفسیر عیاشی، تهران، مکتبه الاسلامیه.

۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، **العین**، چاپ دوم، قم، انتشارات هجرت.
۲۲. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ق)، **تفسیر الصافی**، تحقیق حسین اعلمی، چاپ دوم، تهران، انتشارات صدر.
۲۳. قرشی، علی اکبر، (۱۳۶۴ش)، **قاموس قرآن**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، **تفسیر قمی**، تحقیق، سید طیب موسوی، قم، دارالکتاب.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳ش)، **تفسیر القمی**، قم، دارالکتاب.
۲۶. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، (۱۳۶۸ش)، **تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۷. کاشانی، ملا فتح الله، (۱۴۲۳ق)، **زبدة التفاسیر**، چاپ اول، قم، بنیاد معارف اسلامی.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۵ق)، **اصول کافی**، بیروت، دارالاضواء.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، **اصول کافی**، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. کوفی، فرات بن ابراهیم، (۱۴۱۰ق)، **تفسیر فرات الکوفی**، تهران، وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي.
۳۱. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، **بحار الأنوار**، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳۲. مفید، محمد، (۱۴۱۱ق)، **ارشاد**، قم، کنگوه شیخ مفید، (نشر دارالمفید).
۳۳. نجفی حسینی، سید شرف الدین، (۱۳۹۳ش)، **تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة**، ترجمه سید محمد رضوی، تهران، چاپ و نشر بین الملل.
۳۴. همایی، غلامعلی، (۱۳۹۳ش)، **واژه شناسی قرآن مجید**، قم، مرکز نشر مصطفی a.
- مقاله
۳۵. کلانتری، ابراهیم؛ علوی، حمرا، (۱۳۹۲ش)، «**چیستی عالم امر در آیات قرآن**»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال چهل و ششم - شماره ۱، صفحه ۱۴۵ تا ۱۶۱.